

## مخالفت آشکار انگلستان در

### به ثمر نشستن ملی شدن صنعت نفت

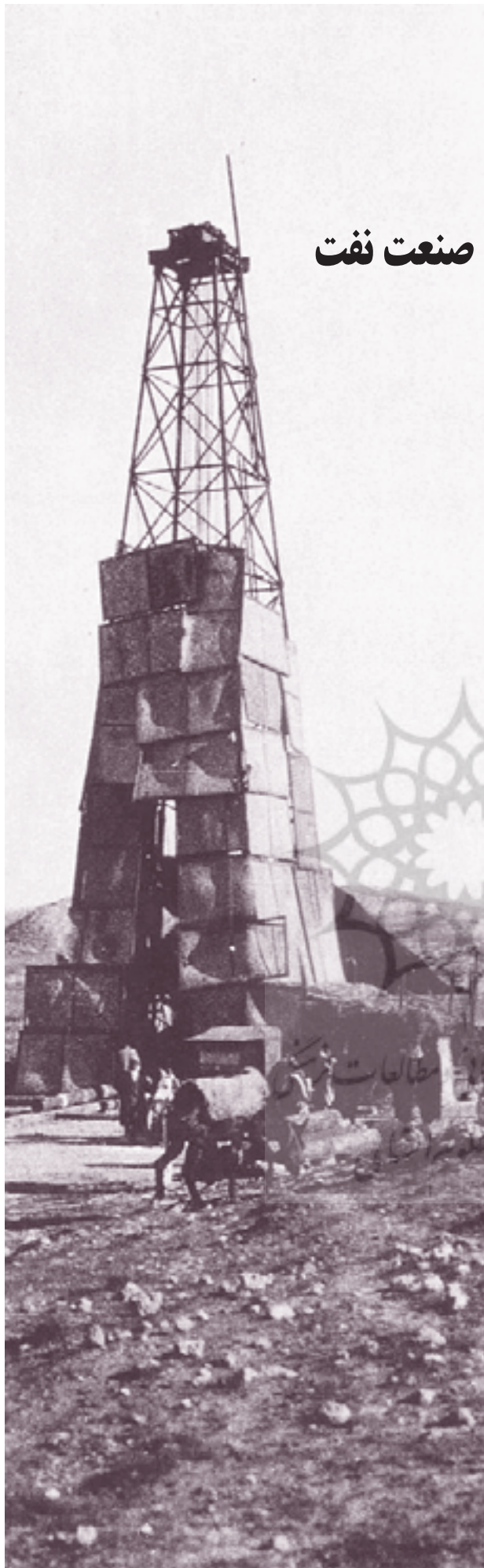
بررسی و گردآوری: فرهاد محمدی

در میان کشورهای دارنده ذخایر نفتی، اولین تجربه ملی سازی در مکزیک در سال ۱۹۳۸ و در ایران در سال ۱۹۵۱ به وقوع پیوست. مکزیک تحت تحریم قرار نگرفت اما به شدت از سوی آمریکا منزوی و تهدید شد. ولی ایران در همان سال اول ملی سازی تحریم شد و سپس با طرح یک کودتای نظامی توسط آمریکا و همراهی انگلستان از مسیر ملی شدن دور شد. در واقع اولین تحریم نفتی در تاریخ صنعت نفت جهان بر علیه ایران اعمال گردید و در حال حاضر هم جمهوری اسلامی ایران تحت تحریم نفتی در جهان محسوب می شود. به مناسبت شصتمین سال ملی شدن صنعت نفت در ایران در ۲۹ اسفند بجاست نقش انگلستان که اولین بهره بردار نفت در ایران است را تا ملی شدن صنعت نفت و وقایع پس از آن مرور کنیم. مرور نقش دولت انگلستان نشان می دهد که این کشور تمایلی به از دست دادن امتیازات یک جانبه خود نداشته و همواره سعی داشته از حق حاکمیت ملی ایران بر منابع نفت خود جلوگیری کند. در این بررسی سیر تاریخی بهره برداری تا ملی شدن صنعت نفت را با تأکید بر دسیسه های انگلستان را مرور می کنیم، هرچند بومی نشدن صنعت نفت در ایران در زمان ملی شدن نفت را می توان به عنوان یکی عامل بازدارنده در اعمال حاکمیت ملی به حساب آورد.

در سال ۱۲۸۰ شمسی مظفردالدین شاه قاجار امتیاز تفحص و استخراج و حمل و نقل و فروش نفت و مواد مشتقه از آن را با اجازه انجام کلیه عملیات مربوطه در سراسر کشور به جز پنج ایالت شمالی (که به علت مجاورت با روسیه مستثنی شده بود) برای مدت شصت سال به ویلیام دارسی تبعه انگلستان واگذار نمود و امتیاز گیرنده در مقابل متعهد گردید که ظرف دو سال شرکت یا شرکت هایی برای بهره برداری از امتیاز تأسیس کند و از منافع حاصله از عملیات شرکت های مزبور معادل ۱۶ درصد به عنوان حق الامتیاز به دولت ایران بپردازد. تاریخ اعطای این امتیاز پنج سال قبل از برقراری رژیم مشروطیت بود. پس از تأسیس رژیم مشروطیت و وضع قانون اساسی به موجب ماده ۲۴ آن قانون بستن عهدنامه ها و مقابله نامه ها و اعطای هر گونه امتیاز تجارتي و فلاحتی موکول نه تصویب مجلسین سنا و شورای ملی گردید ولی بحثی در مورد شامل نمودن اصل مزبور نسبت به گذشته و لزوم تصویب امتیازنامه ها داریسی از طرف قوه مقننه پیش نیامد. هر چند در مجلس اول مذاکراتی در اطراف مقررات امتیازنامه و عملیات شرکت نفت به میان آمد ولی این مذاکرات صورت بحث در موارد قرارداد به منظور تصویب یا رد آن به خود نگرفت و امتیازنامه ۱۲۸۰ از طرف مجلسین نه به تصویب رسید نه رد شد بلکه به همان حال بقی ماند.

در سال ۱۲۸۲ شرکتی به نام شرکت بهره برداری اولیه برای به کار انداختن امتیاز تأسیس شد و در سال ۱۲۸۴ شرکت جدیدی به نام سندیکای امتیازات تشکیل شد که سرمایه لازم را برای عملیات تفحص و حفاری مخصوصاً در قسمت هایی که شرکت بهره برداری اولیه در آن عملیاتی انجام نده بود فراهم کند.

این عملیات بالاخره در سال ۱۲۸۷ درست زمانی که سندیکای امتیازات از کشف نفت در ایران مأیوس شده و حتی دستور توقیف عملیات را صادر کرده بود به نتیجه رسید و چاهی که در مسجد سلیمان حفر شده بود به نفت رسید. یک سال بعد شرکت نفت انگلیس و ایران تأسیس شد و از سال ۱۲۹۲





دولت انگلستان از این تصمیم ایران ناراضی نبود، زیرا این طرح موجب شده بود که دست شوروی‌ها از منابع نفتی ایران کوتاه گردد. اما دولت انگلستان برای حفظ سلطه خویش بر نفت جنوب و جلوگیری از استیفای حقوق ملت ایران با مقامات کشور وارد مذاکره شد تا قراردادی را به تصویب برساند که قرارداد ۱۹۳۳ میلادی را مورد تأیید و تأکید قرار دهد. در پی این قرارداد که به قرارداد گس - گلشایان مشهور گشت، مخالفت‌ها و اعتراض‌های شدیدی از سوی بعضی از نمایندگان و همچنین از سوی بخش آگاه جامعه ایران بالا گرفت. به‌رغم اینکه برخی از مواد قرارداد به نفع ایران بود، اما در واقع این دولت بریتانیا بود که طبق قرارداد توانست به اعتبار قانونی قرارداد داریسی که به تصویب مجلس نرسیده بود، بیفزاید و همچنین تمدید ۳۳ ساله آن را تأیید و تقویت کند.

### مجلس پانزدهم و لایحه قرارداد الحاقی

پس از مذاکرات چند ماهه نمایندگان دولت و شرکت نفت انگلیس در زمان دولت عبدالحسین هژیر، مقدمات لایحه قرارداد الحاقی آماده شد. هژیر از دیرباز متهم به ارتباط نزدیک با انگلیس‌ها بود و به‌خصوص مأموریت چند ساله او در انگلستان و پس از تصدی مقام‌های مهم در کشور او را در مظان اتهام قرار داده بود. او همچنین با سفارت انگلیس سر و سری داشت و ضمن آشنایی با زبان‌های روسی و انگلیسی مدت هفت سال مترجم سفارت شوروی بود. هژیر از کسانی بود که با خانم لمبتون، وابسته سفارت انگلیس در ایران که نفوذ بی‌تردیدی در سیاست ایران داشت رابطه خوبی برقرار کرده بود و همین امر راهگشای او به سوی احراز پست‌ها و مقامات بالای کشوری بود.

با انتخاب هژیر توسط مجلس به نخست‌وزیری، شدیدترین اعتراضات از سوی فدائیان اسلام صورت گرفت. آیت‌الله کاشانی نیز نسبت به هژیر خوشبین نبود و او را فردی خطرناک می‌دانست و اعلامیه شدیدالحنی علیه نخست‌وزیری او منتشر کرد.

لایحه قرارداد الحاقی بعد از سرنگونی دولت هژیر در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸ از طرف دولت مساعد به مجلس تقدیم گردید و روز بعد متن آن در جراید منتشر شد. در آن موقع بیش از ۱۰ روز از عمر مجلس پانزدهم باقی نبود و موافقین لایحه به همین علت تصور می‌کردند که بحث زیادی در اطراف آن صورت نخواهد گرفت. اما مخالفین با آنکه در اقلیت بودند اجازه ندادند موضوع با شتابزدگی و بدون مطالعه برگزار شود.

پس از آنکه وزیر دارایی طی یک جلسه خصوصی دلایل دولت را برای امضای قرارداد توضیح داد مجلس با یک فوریت لایحه موافقت کرد و لایحه به کمیسیون فرستاده شد. در کمیسیون لایحه تصویب شد و بحث در مورد آن در روز اول مرداد در مجلس آغاز شد.

مذاکرات مجلسی با نطق حسین مکی به عنوان مخالف آغاز شد. به طول انجامیدن سخنرانی دکتر مکی و فشار گروه اقلیت مخالف مجلس مانع اخذ رأی درباره قرارداد گردید و تعیین تکلیف لایحه موکول به افتتاح دوره شانزدهم مجلس شورای ملی گردید.

### مجلس شانزدهم و بازگشت آیت‌الله کاشانی به ایران

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی در ۲۰ بهمن ۱۳۲۸ افتتاح شد. روز ۲۸ اسفند ۱۳۲۸ دولت مساعد به علت عدم موفقیت در اخذ رأی اعتماد استعفاء داد و در ۱۴ فروردین ۱۳۲۹ علی منصور به ریاست دولت منصوب گردید. نخست‌وزیر جدید به هیچ وجه نمی‌خواست نسبت به لایحه قرارداد الحاقی روش قطعی اعم از موافق یا مخالف اتخاذ کند و در جواب استفسار از نظر دولت در این باب اظهار کرد که تعیین تکلیف آن با مجلس است نه با دولت. ضمناً حسین علاء وزیر امور خارجه در خرداد ۱۳۲۹ با سفیر انگلیس مذاکره کرد و تقاضا کرد در مقررات قرارداد الحاقی تجدید نظر به عمل آید ولی سفیر به طرز قاطع جواب داد که شرکت نمی‌تواند چیزی بر آنچه قبلاً در قرارداد منظور شده است اضافه کند. آیت‌الله کاشانی در حالی که در تبعید لبنان به سر می‌برد در

صدور نفت ایران آغاز شد پس از آن به دلیل اهمیت فراوان نفت ایران برای تأمین سوخت نیروی دریایی انگلیس، دولت انگلیس حدود ۵۶ درصد سهام این شرکت را خرید و این امتیاز در حقیقت به دولت انگلستان منتقل شد. از ابتدای مشروطیت و آغاز بیداری ملت ایران عدم رضایت از مقررات امتیاز داریسی و روش و جریان کار شرکت نفت شروع شد و چون در قرارداد هیچ گونه امکان تغییر و تجدیدنظر در موارد آن پیش‌بینی نشده بود و صاحب امتیاز نیز به هیچ وجه آمادگی برای تعدیل شرایط مقرر نشان نمی‌داد روز به روز بر عدم رضایت ملت افزوده می‌شد.

سرانجام پس از اختلافات فراوان در مورد قرارداد داریسی در سال ۱۳۱۲ این قرارداد ملغاً و قرارداد جدیدی بین دولت ایران و این شرکت بسته شد. بر اساس این قرارداد جدید علاوه بر پرداخت حق الامتیاز بر اساس سرشماری سهمی هم از منافع شرکت برای ایران منظور گردید اما بر خلاف مقررات امتیاز داریسی در این مورد سهم ایران فقط از سود شرکت نفت انگلیس و ایران مقرر گردید و موضوع سهم بودن ایران در منافع شرکت‌های تابعه منتفی شد و به علاوه دولت هیچ وسیله‌ای برای بررسی محاسبات شرکت و حتی کسب اطلاع از تخیفاتی که شرکت در معاملات عمده خود می‌داد نداشت.

از آن پس در تمام دوران رضاشاه و سپس سال‌های جنگ جهانی دوم، بریتانیا سلطه فائده‌ای بر اقتصاد نفتی ایران اعمال می‌کرد. در سال‌های نخست دهه ۱۳۲۰ بدین سو به تدریج تلاش‌هایی از سوی مردم ایران برای قطع سلطه بلامنزاع انگلستان آغاز شد لذا اولیای این کشور بر آن شدند تا با در پیش گرفتن تدبیر لازم سلطه خود بر نفت ایران را حفظ و گسترش دهند بالاخص اینکه علاوه بر مردم ایران دو کشور شوروی و آمریکا نیز بر آن بودند که سهمی در خور به دست آورند.

حاکمیت مطلق دولت بریتانیا بر منابع نفت ایران تا اواسط قرن بیستم میلادی ادامه داشت. با این احوال فقط از واپسین سال‌های جنگ جهانی دوم بدان سو بود که منافع اساساً نامشروع بریتانیا در ایران در روندی تدریجی ولی مداوم از سوی مردم، مورد انتقاد قرار گرفته و چند سال بعد در واپسین روزهای دهه ۱۳۲۰ منجر به ملی شدن صنعت نفت ایران شد.

پس از اشغال ایران توسط انگلیس و شوروی و سپس آمریکا در جنگ جهانی دوم، رقابت استعمارگران بر سر منافع استعماری در ایران، خصوصاً نفت، تشدید شد. دولت ایران اعلام نمود که دادن هرگونه امتیاز باید به بعد از جنگ موکول شود، زیرا به دلیل وجود جنگ، وضعیت اقتصادی کشورها روشن نیست، در نتیجه تقاضای هر سه دولت رد شد. پس از اعلام موضع دولت، روزنامه‌های حزب توده، از رد پیشنهاد شوروی به خشم آمده، دولت را به باد انتقاد گرفتند. دکتر مصدق هم چند روز بعد در مجلس شورای ملی نطق مفصلی ایراد کرد و پاسخ روزنامه‌ها و کشورهای خواستار امتیاز را داد.

### تحرکات انگلیس و قرارداد گس - گلشایان



منتهای کوشش خود را به خرج می‌داد که دولت را وادار به پافشاری در تصویب لایحه‌نماید.

مجلس در مهر ماه رزم آرا را استیضاح کرد که هیچ نتیجه‌ای در بر نداشت. طی ماه آبان و آذر ۱۳۲۹ رزم آرا مذاکراتی با نمایندگان شرکت داشت و اظهار کرد از قرارداد الحاقی دفاع خواهد کرد ولی لازم است نمایندگان شرکت هم تا حدودی قرارداد خود را تعدیل کنند و آنها نیز کمی آن را تعدیل کردند. وقتی کمیسیون به اتفاق آراء مخالفت خود را با لایحه اعلام نموده بود، واضح بود که اگر این لایحه در دستور کار مجلس باقی بماند مجلس آن را رد خواهد کرد و اقدامات جبهه ملی در ملی کردن نفت به نتیجه خواهد رسید، بنابر این در ۵ دی‌ماه ۱۳۲۹ ضمن ابراز مخالفت با ملی نمودن نفت، لایحه قرارداد را به عنوان اینکه شرایط آن کافی شناخته نشده مسترد نمود.

در هشتم دی ماه ۱۳۲۹ در سخنرانی که به دعوت آیت‌الله کاشانی و دیگر گروه‌های سیاسی در میدان بهارستان برگزار شد قطعنامه‌ای صادر شد که در آن ملی کردن صنعت نفت خواسته کلیه طبقات ملت ایران قلمداد شد. در همین رابطه آیت‌الله کاشانی طی اعلامیه‌ای نظرات خود را در مورد ملی کردن صنعت نفت صادر و آن را تکلیف دینی و وطنی ملت مسلمان ایران دانست.

مقاصد حکومت رزم آرا که برای سرکوبی نهضت ملی ایران و توافق با شرکت انگلیسی قدرت یافته بود و به ملی شدن نفت علاقه نداشت با مبارزات مردم عقیم ماند. گفته شده رزم آرا تصمیم داشت مخالفینی چون آیت‌الله کاشانی را نابود کند ولی قبل از اینکه بتواند به هدف خود برسد در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ به قتل رسید.

پس از رزم آرا، حسین علاء به نخست وزیری رسید؛ اما بحران‌ها و مشکلات باعث شد در عرض کمتر از دو ماه استعفاء دهد. در جنجال انتخاب نخست وزیر که در مجلس و دربار جریان داشت، دکتر مصدق به پیشنهاد جمال امامی، مخالف اصلی خود در میان ناباوری همگان، نخست وزیری را پذیرفت. اغلب وزرای کابینه مصدق از شخصیت‌های نه چندان خوشنام سیاست ایران بودند که برای اجرای اهداف نهضت ملی مناسب نبودند. در این شرایط انگلیسی‌ها که به هیچ وجه حاضر نبودند از پول باد آورده نفت ایران چشم ببوشند به شدت واکنش نشان دادند، تهدید نظامی که با تهدید به فتوای جهاد از طرف آیت‌الله کاشانی مواجه شد، طرح دعوی حقوقی در شورای امنیت و دیوان لاهه، تحریم نفت ایران و تحریم اقتصادی، محور سیاست‌های انگلستان را در دوره اول نخست وزیری مصدق (۱۳۳۰ - ۱۳۳۱) تشکیل می‌داد.

انتخابات دوره مجلس شانزدهم به نمایندگی مردم تهران برگزیده شد. با بالا گرفتن اعتراضات مردم نسبت به تبعید آیت‌الله کاشانی، دولت وقت ناچار شد به این تبعید خاتمه دهد و حسنعلی منصور طی تلگرافی به لبنان بازگشت وی را بلا اشکال اعلام کرد و سرانجام پس از یک سال و چهار ماه تبعید در ۲۰ خرداد ۱۳۲۹ آیت‌الله کاشانی با استقبال با شکوهی که از وی انجام شد به وطن بازگشت.

وی سپس پیامی به مجلس فرستاد که توسط دکتر مصدق در مجلس قرائت شد در قسمتی از این پیام آمده است: نفت ایران متعلق به ایران است و به هر تریبی که بخواهد نسبت به آن رفتار می‌کند و قرارداد قانونی که با اکره و اجبار تحمیل شود هیچ نوع ارزش قضایی ندارد و نمی‌تواند ملت ایران را از حقوق مسلم خود محروم کند. در ۲۳ خرداد منصور به مجلس پیشنهاد کرد که لایحه قرارداد الحاقی قبل از طرح در مجلس به کمیسیون مخصوصی برای مطالعه ارجاع شود. روز ۳۰ خرداد کمیسیونی مرکب از ۱۸ نفر به ریاست دکتر مصدق تشکیل و مأمور شد قرارداد را مورد بحث قرار داده و پس از مطالعات لازم نتیجه مطالعات و نظریات خود را به مجلس تقدیم کند. با ورود آیت‌الله کاشانی و ملیون به مجلس شانزدهم فراکسیون قوی و منسجمی از اقلیت تشکیل شد که در این دوره نقش حساس و سرنوشت‌سازی را بر عهده داشت.

### نخست وزیری رزم آراء

در پنجم تیرماه ۱۳۲۹ دولت منصور استعفاء داد و سپهبد رزم آرا که از مدت‌ها قبل زمینه را برای نخست وزیری خود آماده کرده بود، به نخست وزیری رسید. آیت‌الله کاشانی در این رابطه اعلامیه شدید اللحنی صادر و مردم را دعوت به مقاومت در مقابل این حکومت کرد به دنبال انتشار این اعلامیه بازار تهران به حال تعطیل درآمد و هزاران نفر از مردم در خیابان بهارستان اجتماع کردند تا از ورود رزم آرا به مجلس جلوگیری کنند که قوای انتظامی با توسل به زور و خشونت مردم را متفرق کردند.

رزم آرا بر خلاف منصور، از ابتدا با لایحه قرارداد الحاقی موافقت کرد. در بین اعضای کمیسیون بررسی کننده قرارداد نفت پنج نفر نمایندگان جبهه ملی بودند که اگر چه در اقلیت بودند ولی با تمام قوا با رزم آرا مخصوصاً در مورد لایحه قرارداد الحاقی مخالفت می‌ورزیدند. از زمانی که لایحه قرارداد الحاقی در کمیسیون نفت تحت مطالعه قرار گرفت شرکت نفت ایران و انگلیس



کارگران شرکت نفت اگر چه با تلاش بسیار دولت ایران پایان پذیرفت اما دولت انگلستان همچنان در پی دسیسه و تحریک کارمندان ایرانی شرکت نفت بود به طوری که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ سپهبد شاه‌بختی در تلگراف خود از استان خوزستان به دکتر مصدق نخست‌وزیر وقت اعلام داشت: طبق اطلاع واصله کارمندان عالی‌رتبه ایرانی شرکت نفت به تصور این که در موقع اجرای قانون ملی‌شدن صنعت نفت ممکن است بی کار شوند اظهار نگرانی نموده‌اند، گفته می‌شود که این شایعات از ناحیه کارمندان خارجی شرکت نفت می‌باشد. در این شرایط گرچه آمریکا به مصدق امیدهایی می‌داد اما به هیچ وجه پیروزی او را نمی‌خواست هدف آمریکا این بود که از نفت ایران امتیاز بگیرد و بیشتر در دولت ایران نفوذ نمایند ولی هرگز راضی نمی‌شد بریتانیا را در مقابل نهضت، شکست خورده ببینند. آمریکا تحریم نفتی ایران را به طور کامل رعایت و از خرید نفت توسط کشورهای دیگر جلوگیری کرد.

چند ماه پس از شروع نخست‌وزیری مصدق گفت‌وگوهایی میان ایران و انگلیس با میانجی‌گری آمریکا شروع شد که با اصرار انگلستان بر کنترل مدیریت صنعت نفت و دریافت بخش اعظمی از منابع حاصله و مقاومت ایرانی‌ها راه به جایی نبرد. در عین حال در شورای امنیت و دادگاه لاهه دولت موفق شد دعای حقوق انگلیس را بی اثر سازد و از این جهت پیروزی بزرگی به دست آورد؛ اما تحریم نفتی و ناتوانی دولت در فروش حتی یک قطره نفت در شرایطی که بخش عظیمی از درآمدهای دولت از نفت تأمین می‌شد، زیان اقتصادی بسیاری بر دولت وارد کرد. تلاش دولت برای دریافت وام از آمریکا و انتشار اوراق قرضه ملی برای جبران کسر بودجه نیز موفقیت‌آمیز نبود. پس از آن که امید به حل مسئله نفت از بین رفت، طرح اقتصاد بدون نفت در دستور کار دولت قرار گرفت. بر طبق این طرح، دولت با محدودیت واردات، کاهش قیمت ریال، افزایش صادرات، کاهش هزینه‌ها، افزایش مالیات و حتی چاپ اسکناس بدون پشتوانه درصدد برآمد تا کاهش درآمدهای خود را جبران کند. هر چند دولت در اجرای این سیاست‌ها در مجموع موفق بود؛ اما نتوانست

پس از رزم‌آرا دیگر هیچ یک از نمایندگان وابسته به انگلیس را یارای مقابله با نهضت ملی‌شدن نفت نبود؛ از این رو کمیسیون نفت، پیشنهاد ملی‌شدن صنعت نفت در سراسر کشور را پذیرفت و طرح زیر را به مجلس تقدیم کرد: نظر به این که ضمن پیشنهادها واصله به کمیسیون نفت مبنی بر ملی‌شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجایی که وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست، کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدیدی نماید.

بدین ترتیب در فضای سیاسی و اجتماعی بسیار حساس آن روزگار و نهایتاً در روز ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ ماده واحده‌ای راجع به ملی‌شدن صنعت نفت ایران از تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی گذشت و چند روز بعد، در آخرین روز سال ۱۳۲۹ مجلس سنا مصوبه مجلس شورای ملی را تأیید کرد. بدین ترتیب روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به عنوان روز تاریخی ملی‌شدن صنعت نفت ایران در حافظه ملت ایران باقی‌ماند.

همزمان با تصویب طرح ملی‌شدن صنعت نفت ایران از سوی مجلسین شورای ملی و سنا، شرکت نفت ایران و انگلیس از پرداخت ۳۰ درصد فوق‌العاده دستمزد کارگران نفت بندر معشور، آغا‌جاری، لالی و نفت سفید امتناع ورزید و این امر موجب اعتصاب کارگران و اعلام حکومت نظامی در خوزستان شد. با اعزام نیروهای نظامی از اهواز، خرم‌آباد و اصفهان به مناطق مزبور شورش اعتصابیون کمی فروکش کرد لیکن شرکت نفت هنوز حاضر به پذیرش خواست‌های اعتصابیون نبود.

### انگلیس و واکنش به ملی‌شدن نفت ایران

در ۸ فروردین ۱۳۳۰ دولت انگلستان اعلام کرد که برای حفظ امنیت صنایع بریتانیا در مناطق اعتصاب‌زده، کشتی‌های فلامینگو و ایلوگوس را به آبادان فرستاده است. این دو کشتی جنگی، قسمتی از نیروی دریایی انگلستان در خلیج فارس را تشکیل می‌دادند و پایگاه آنها در بحرین بود. در همین ایام شپرد، سفیر انگلستان در تهران رسماً از حسین علاء نخست‌وزیر وقت سؤال کرد که برای حمایت از افراد انگلیسی در مناطق نفت‌خیز خوزستان چه اقداماتی انجام داده است. بنابر این در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۳۰ نیروهای نظامی در آبادان مردم را به آتش بستند و سه نفر را به قتل رساندند. روز بعد نزدیک به هزار نفر از کارگران لوله‌نفت به اعتصاب‌کنندگان پیوستند. یک هفته بعد وضع آرام‌نفر تا روز ۱۸ فروردین نزدیک به یک سوم اعتصاب‌کنندگان به سر کار خود بازگشتند. لیکن در ۲۳ فروردین کارگران بندر معشور و آبادان دست به شورش زدند و این امر منجر به کشته و زخمی شدن چند تن از کارگران شرکت‌نفت شد.

در پی آن، سومین کشتی جنگی انگلستان وارد خلیج فارس شد و ناو جنگی یویالوس هم از مدیترانه به سمت خلیج فارس حرکت کرد. سفیر انگلستان بار دیگر با علاء ملاقات کرد و او را در جریان اقدامات دولت متبوعش قرار داد. در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۳۰، آیت‌الله کاشانی بیانیه‌ای منتشر ساخت و از کارگران شرکت خواست تا به شورش خود خاتمه دهند و به کارگران اطمینان داد که انگلیسی‌ها به زودی ایران را ترک خواهند گفت و دولت ایران خسارت‌های وارده به آنها را جبران خواهد کرد.

دکتر مصدق نیز در جلسه ۲۷ فروردین مجلس شورای ملی در مخالفت با اعلام حکومت نظامی در خوزستان اظهار داشت، دلیل این که نمایندگان جبهه ملی از دادن رأی به پیشنهاد دولت مبنی بر اعلام حکومت نظامی، خودداری کردند، جز این نبود که دولت بدون تحقیق و بدون رسیدگی به این موضوع که آیا این اعتصاب بجاست یا بی‌جاست آن را اعلام کرد. مصدق سپس بیانیه جبهه ملی را خطاب به کارگران و نصیحت دادن به آنها مبنی بر این که دست از اعتصاب کشیده بر سر کار خود برگردند، ایراد کرد. به هر ترتیب با دستگیری تعدادی از سران اعتصاب و سرکوبی شورش کارگران، امنیت نسبی برقرار شد و تا روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ آبادان تنها جایی بود که هنوز اعتصاب در آن ادامه داشت اما به تدریج تعدادی از کارگران به سر کار خود بازگشتند. اعتصاب





کاهش درآمد نفت را جبران کند و باعث افزایش تورم نیز نشود. در اوایل سال ۱۳۳۱ انتخابات مجلس هفدهم برگزار شد، دخالت گسترده ارتش و دربار موجب شد مصدق انتخابات را نیمه تمام رها کند. نمایندگان انتخاب شده اغلب مخالف مصدق بودند و با انتخاب سید حسن امامی به ریاست مجلس قدرت خود را نشان دادند. در عین حال مصدق با حمایت گسترده آیت‌الله کاشانی و نمایندگان طرفدار دولت، موفق شد در اوایل تیر ماه این سال دوباره رأی اعتماد بگیرد. اما پس از آنکه در رابطه با در اختیار گرفتن وزارت جنگ با شاه اختلاف پیدا کرد بدون اینکه با رهبران دیگر نهضت مشورتی بکند استعفاء داد و نمایندگان که گویا از پیش آماده بودند، قوام سیاستمدار کهنه کار را که تصور می‌کردند می‌توانند در مقابل نهضت بایستند، در ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱ به نخست وزیری منصوب کردند.

این اقدام نمایندگان با اعتراض شدید آیت‌الله کاشانی و واکنش نمایندگان طرفدار نهضت روبه‌رو شد. در روز ۳۰ تیر در اکثر شهرهای ایران مردم به دعوت آیت‌الله کاشانی و گروه‌های طرفدار مصدق، به خیابان‌ها ریختند و تظاهرات وسیعی انجام گرفت که با دخالت ارتش به خون کشیده و صدها نفر کشته شدند شاه که خود را در خطر می‌دید ناچار شد مصدق را دوباره به نخست وزیری انتخاب کند. این پیروزی با اعلام رأی دادگاه لاهه به نفع ایران همراه شد و شادمانی مردم را دو چندان کرد. اکنون مصدق مغرور از پیروزی، کابینه جدید خود را با حضور چهره‌های بدنامی چون سرلشکر وثوق، از مسبین کشتار ۳۰ تیر معرفی کرد که اعتراضات بسیاری را برانگیخت. خودداری از مجازات عاملان کشتار ۳۰ تیر، از عوامل دیگری بود که موجب رنجش بعضی از اطرافیان مصدق شد. وی در مقابل آن تلاش کرد آیت‌الله کاشانی و نیروهای مذهبی را بدون توجه به این که قدرت مجدد او مدیون حمایت آن‌ها بوده است، از صحنه خارج کند.

مصدق، نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام را به زندان انداخت. از سوی دیگر آزادی حزب توده که از ۳۰ تیر ماه در شمار حامیان مصدق درآمده بود، مخالفت از کشور صادر می‌کردند.

این شرکت‌های بازرگانی همچنین بخشی از نفت خام خریداری شده را پالایش نموده و به صورت فرآورده به خارج صادر می‌کردند. تعهدات مالی شرکت‌های بازرگانی تأسیس شده در دل شرکت‌های عضو کنسرسیوم، عبارت بود از پرداختی مشخص، تحت عنوان حق‌الارض که شامل کلیه نفت خام صادراتی می‌شد و مالیات بر درآمدی بود که به نسبت درصدی از منافع حاصل از صدور نفت بر اساس بهای اعلام شده نفت خام به دولت ایران می‌پرداختند. (این درصد از ۲۳ آبان ۱۳۴۹ به ۵۵ درصد افزایش یافت).

### جمع بندی

با رویکردی گذرا به آنچه در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت گذشت، به آسانی درمی‌یابیم که نزدیکی و وحدت استراتژیک نیروهای ملی و مذهبی که دغدغه استقلال، حفظ حاکمیت ملی و قطع ید اجانب از امور داخلی کشور را داشتند باعث به صحنه آمدن انبوه مردم و طبقات اجتماعی و سقوط دولتی فرمایشی شد که در برابر اراده ملت ایستادگی کرده بود. در واقع ۳۰ تیر، دربار پهلوی و شخص شاه نیز در تقابل با چنین عزم، همبستگی و اراده‌ای به زانو درآمدند و جرأت رویارویی با خواست بر حق ملت را نیافته و در نهایت ناگزیر به عقب‌نشینی شدند.

بررسی روند رویدادهای دوران نهضت ملی ایران، ما را با نمونه جدیدی از مداخله کشورهای بزرگ آشنا می‌سازد که می‌توان آن را دخالت از درون توصیف کرد. تلاش وابستگان انگلستان برای اینکه این رویدادها را به عنوان یک کودتای نظامی و یک رویداد داخلی جلوه‌گر سازند، کوششی برای سرپوش گذاردن بر نقش واقعی انگلستان و آمریکا و عوامل داخلی آنان و رها ساختن این دولت‌ها از این مسئولیت بین‌المللی است. تجربه ناکام ساختن نهضت ملی ایران نشان می‌دهد که این دولت‌ها برای دستیابی به هدف‌های خود به ابزار مخالفت‌های آشکار، تحریم‌ها و تهدیدهای نظامی بسنده نمی‌کنند، بلکه با به کار گرفتن سازمان یافته افراد نفوذی خود، به آشفته ساختن نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای هدف می‌پردازند.

این اقدام نمایندگان با اعتراض شدید آیت‌الله کاشانی و واکنش نمایندگان طرفدار نهضت روبه‌رو شد. در روز ۳۰ تیر در اکثر شهرهای ایران مردم به دعوت آیت‌الله کاشانی و گروه‌های طرفدار مصدق، به خیابان‌ها ریختند و تظاهرات وسیعی انجام گرفت که با دخالت ارتش به خون کشیده و صدها نفر کشته شدند شاه که خود را در خطر می‌دید ناچار شد مصدق را دوباره به نخست وزیری انتخاب کند. این پیروزی با اعلام رأی دادگاه لاهه به نفع ایران همراه شد و شادمانی مردم را دو چندان کرد. اکنون مصدق مغرور از پیروزی، کابینه جدید خود را با حضور چهره‌های بدنامی چون سرلشکر وثوق، از مسبین کشتار ۳۰ تیر معرفی کرد که اعتراضات بسیاری را برانگیخت. خودداری از مجازات عاملان کشتار ۳۰ تیر، از عوامل دیگری بود که موجب رنجش بعضی از اطرافیان مصدق شد. وی در مقابل آن تلاش کرد آیت‌الله کاشانی و نیروهای مذهبی را بدون توجه به این که قدرت مجدد او مدیون حمایت آن‌ها بوده است، از صحنه خارج کند.

مصدق، نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام را به زندان انداخت. از سوی دیگر آزادی حزب توده که از ۳۰ تیر ماه در شمار حامیان مصدق درآمده بود، مخالفت از کشور صادر می‌کردند.

این شرکت‌های بازرگانی همچنین بخشی از نفت خام خریداری شده را پالایش نموده و به صورت فرآورده به خارج صادر می‌کردند. تعهدات مالی شرکت‌های بازرگانی تأسیس شده در دل شرکت‌های عضو کنسرسیوم، عبارت بود از پرداختی مشخص، تحت عنوان حق‌الارض که شامل کلیه نفت خام صادراتی می‌شد و مالیات بر درآمدی بود که به نسبت درصدی از منافع حاصل از صدور نفت بر اساس بهای اعلام شده نفت خام به دولت ایران می‌پرداختند. (این درصد از ۲۳ آبان ۱۳۴۹ به ۵۵ درصد افزایش یافت).

